

■ گنسی بزرگ

این رمان که اثری از اسکات فیتز جراللد است و با ترجمه رضا رضایی منتشر شده، در نظر اول داستانی عاشقانه است. جی گنسی، پسری فقیر از غرب میانه، عاشق دیزی فی، زنی از کنتاکی است که او را در بحیوح جنگ جهانی اول، در قامت افسری جوان، دیده بوده است. اما این رمان، که بسیاری آن را در زمره بزرگ‌ترین آثار ادبی قرن ۲۰ می‌شمارند، به توصیف دورانی می‌پردازد که فیتز جراللد خود آن را «عصر جز» می‌نامید؛ دورانی در سال‌های پس از جنگ جهانی اول که زندگی پر زرق و برق و انحطاط اخلاقی و سرمایه‌داری افسارگسیخته و قاجاق مشروبات الکلی از جمله ویژگی‌های آن به‌شمار می‌رود.
راوی داستان جوانی به نام نیک کاراوی است که در همسایگی گنسی زندگی می‌کند و رابطه خویشاوندی دوری هم با دیزی دارد. منتقدان نیک را نه فقط راوی داستان و یک تماشاچی بی‌گناه، بلکه وجدان اخلاقی کتاب می‌دانند.

■ نه فرشته نه قدیس

خسته، یا به عبارت دقیق‌تر، بی‌هیچ میل و رغبتی به زندگی از خواب بیدار شدم، همچنان که یا به سن می‌گذام علاقه‌ام به زندگی کم می‌شود. آیا به عرمم هیچ‌وقت میل خیلی زیادی به زندگی داشته‌ام؟ مطمئن نیستم، اما سابق بر این مطمئناً نیروی بیشتری داشتم. و نیز آرزوهایی... کتاب «نه فرشته نه قدیس» اثر ایوان کلیما نویسنده، نمایشنامه‌نویس و روزنامه‌نگار اهل جمهوری چک با ترجمه فروغ

پوریایری منتشر شده است. ایوان کلیما با کتاب روح پراگ در ایران معرفی شد. سال ۱۳۸۷ نسخه فارسی این کتاب همزمان از سوی دوناشر منتشر شد. کلیما اکنون در کنار میلان کوندرا و واسلاو هاول یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان ادبیات چک به شمار می‌رود.

■ لوته وهمتایش

اریش کستنر، نویسنده آلمانی، داستان دو خواهر دوقلوی ۹ ساله، به نام‌های لوته و لویزه، را در کتاب لوته و همتایش روایت می‌کند. والدین لوته و لویزه هنگام تولد این دواز همدیگر جدا شده‌اند و هر کدام مسئولیت بزرگ کردن یکی از دخترها را به عهده گرفته است. داستان از آنجا شروع می‌شود که لوته و لویزه در یک اردوی تابستانی مهدیگر را می‌بینند. طولی نمی‌کشد که این دو خواهر راز شاه‌تشان را

درمی‌یابند و تصمیم می‌گیرند سرنوشته‌شان را به دست خودشان رقم بزنند؛ پس نقشه می‌کشند که بعد از اردو هرکدام به جای دیگری به خانه برود. لوته و همتایش نخستین بار در سال ۱۹۴۹ منتشر شد و چندین فیلم سینمایی هم تاکنون با اقتباس از داستان آن ساخته شده است؛ کیومرث پوراحمد هم فیلم خواهران غریب را بر اساس همین رمان ساخته است. این کتاب با ترجمه سروش حبیبی منتشر شده است.

■ امپراتوری نشانه‌ها

این کتاب که نوشته رولان بارت است و توسط ناصر فکوهی به فارسی ترجمه شده در زمینه مطالعات فرهنگی قرار می‌گیرد. بارت می‌گوید: نشانه ژاپنی قدرتمند است؛ به صورت تحسین‌برانگیزی نظم و ترتیب دارد و خود را به نمایش می‌گذارد، بی‌آنکه هرگز نه به طبیعت بدل گردد و نه به عقلانیت. نشانه ژاپنی تهی است: معنایش گریزان است، در عمق قالب‌هایش نه اثری از خدا هست، نه از حقیقت و اخلاق؛ و این قالب‌ها بی‌آنکه جبرانی در کار باشد سلطه دارد.

■ ونیچه گریه کرد

لو سالومه آمده است تا یوزف برویر، پزشک مشهور و استاد زیگموند فروید را بباید. او نگران دوستش، نیچه است. برویر باید اندیشمند بزرگ و تنها را که از سردر شدیدی رنج می‌برد، معالجه کند و او را از این گرفتاری برهاند. ولی نیچه نباید از این جریان بویی ببرد، سالومه از برویر تقاضا کرده که او را معالجه کند. برویر تصمیم می‌گیرد با روش جدید «بیان درمانی» که بتازگی در مورد بیمار دیگرش آنا، او تجربه کرده،

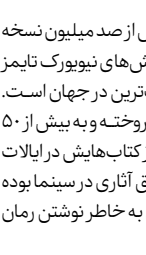
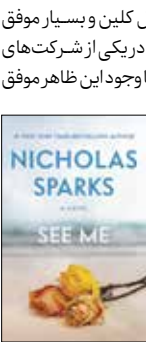
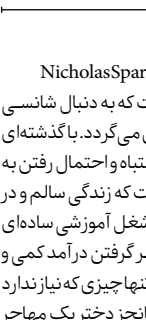
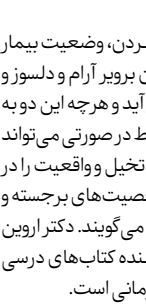
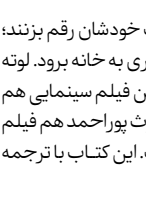
او را درمان کند. برویر برای تشویق نیچه به صحبت کردن، وضعیت بیمار جوانش آنا، او را برای او تشریح می‌کند. به‌این ترتیب میان برویر آرام و دلسوز و نیچه حساس و خوددار، دولل گفتاری تندی به‌وجود می‌آید و هرچه این دوه هم نزدیک‌تر می‌شوند، برویر بیشتر متوجه می‌شود که فقط در صورتی می‌تواند نیچه را معالجه کند که وی اجازه این کار را بدهد. یالوم تخیل و واقعیت را در یک شبکه منسجم با هم ترکیب می‌کند؛ طوری که شخصیت‌های درجسته و بزرگ دوران آغاز روان‌درمانی زنده می‌شوند و با ما سخن می‌گویند. دکتر اربین یالوم مدرس روان‌درمانی در دانشگاه استانفورد و نویسنده کتاب‌های درسی روان‌شناسی مانند عشق و جلادش و داستان دیگر روان‌درمانی است.

■ مرابین seeme

■ نویسنده: نیکلاس اسپارمزNicholas Sparks کتاب درباره کلین هانکوک است که به دنبال شانشی مجدد برای از سرگیری زندگی‌اش می‌گردد. با گذشت‌های مملو از خشونت، تصمیمات اشتباه و احتمال رفتن به زندان، این بار مصمم شده است که زندگی سالم و در مسیر مستقیمی را شروع کند. او شغل آموزشی ساده‌ای برای خود در نظر گرفته و با در نظر گرفتن درآمد کمی و زندگی سختی که در پیش گرفته، تنها چیزی که نیاز ندارد یک رابطه عاطفی است. ماریا سانچز دختر یک مهاجر مکزیک‌ی سختکوش نقطه مقابل کلین و بسیار موفق است. فارغ‌التحصیلی از مدارس حقوق، زیبا و جذاب در یکی از شرکت‌های موفق حقوقی آینده بسیار روشنی پیش روی ماریا قرار دارد. با وجود این ظاهر موفق

ماریا نیز مانند کلین گذشته داستانی دارد که مجبورش می‌کند با بازگشت به خانه، تمام آرزوهایش را رها کند. در راه بازگشت و جاده‌ای باران خورده ماریا با کلین برخورد می‌کند. شناخت پس از مدتی به عشق تبدیل می‌شود و این دو تصمیم می‌گیرند کنار یکدیگر زندگی جدیدی را آغاز کنند اما گذشته ماریا مانع از کنار هم قرار گرفتن این دومی می‌شود. حوادث ناگهانی و وحشتناک زندگیشان را تهدید می‌کند و داستان کتاب میان عشق و وحشت ادامه می‌یابد. کتاب مرابین در زمره بهترین

آثار نیکلاس اسپارکز است. این نویسنده محبوب تاکنون بیش از صد میلیون نسخه از رمان‌هایش را به فروش رسانده است و در ده اول پر فروش‌های نیویورک تایمز قرار دارد. نیکلاس اسپارکز یکی از قصه‌گوی محبوب‌ترین در جهان است. کتابهای او با بیش از ۱۰۰ میلیون نسخه در سراسر جهان فروخته و به بیش از ۵۰ زبان ترجمه شده است. از جمله بیش از ۷۵ میلیون نسخه از کتاب‌هایش در ایالات متحده به فروش رفته است. برخی از آثار او نیز دستمایه خلق آثاری در سینما بوده است و از این‌رو در عالم سینما هم راه یافته است. اسپارکز به خاطر نوشتن رمان دفترچه خاطرات به شهرت جهانی دست یافت.

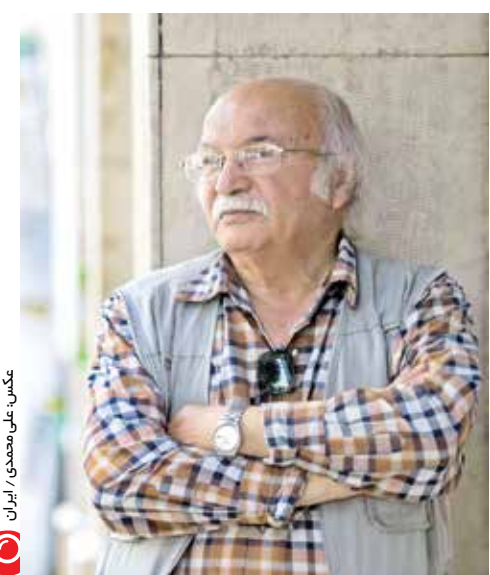


■ سال بیست‌ودوم ■ شماره ۶۲۹۹ ■ سه‌شنبه ۹ شهریور ۱۳۹۵

■ **باتوجه به مطالعاتی که برای تألیف کتاب «مطبوعات سینمای ایران» انجام داده‌اید از تاریخ تولد نخستین نشریه سینمایی در کشورمان بگویید!**

شاید باورتان نشود اما مطبوعات سینمایی کشورمان همزمان با ساخت و نمایش نخستین فیلم سینمایی ایرانی در سال ۱۳۰۹ متولد شد. «آبی و رابی» به کارگردانی «وانس اوگانیانس»، عنوان نخستین فیلم سینمایی ایران است که در ژانر کمدی ساخته شد و ۸۶ سال قبل برای مردم نمایش داده شد. همزمان با اکران این فیلم، مجله بسیار کم حجمی با عنوان «سینما و نمایشات» منتشر شد که به شکلی تخصصی به سینما پرداخته بود. ■ **تقریباً سه دهه بعد از اختراع سینما در فرانسه؟**

بله و اگر قرار باشد که دقیق‌تر بگویم؛ ۳۵ سال بعد از اختراع سینما در فرانسه



عکس علی محمدی / ایران

تولید سینمای خودمان پرداخته شود. البته این نشریه تنها دو شماره منتشر شد که به احتمال بسیار علت تعطیلی‌اش هم همان مسأله‌ای بود که اشاره شد. با وجود این جالب است بدانید نسخه‌های همان دو شماره همگی فروش رفتند. ■ **در نخستین نشریات تخصصی سینما کدام یک موفقیت بیشتری در جذب مخاطبان پیدا کردند؟**

«جهان سینما» و «هولیوود» دوشهریه دیگری بودند که در همان دهه ۲۰ منتشر شدند و با استقبال بیشتری در مقایسه با نشریه «سینما و نمایشات» روبه‌رو شدند. «نمایشات» هم در همین دوران منتشر شد. این نشریات اغلب دوام چندانی نداشتند و بعد از انتشار چند شماره متوقف می‌شدند. نشریات سینمایی ایران برخلاف سایر نشریات و روزنامه‌ها هیچگاه دولتی نبودند.

گفت‌وگو با حسین گیتی، منتقد پیشکسوت سینما به بهانه انتشار تازه‌ترین کتاب وی

نسل «نشریه خوان» های قدیمی رو به انقراض است

ما صاحب نخستین نشریه مکتوب سینمایی شدیم. این در شرایطی است که در شعر فارسی به آن سابقه کهن و دیرینه هنوز تعداد نشریات تخصصی مان چندان قابل توجه نیست!

■ **انتشار نخستین نشریه سینمایی آن هم ۸۶ سال قبل به این معناست که در آن زمان نشریات اینچنینی مخاطبی داشته‌اند؟**

متأسفانه نه! اتفاقاً همین دلیل هم منجر به تعطیلی زودهنگام نشریه مذکور شد. جالب است که بدانید پر مخاطب‌ترین نشریه سینمایی سال‌های دور مایه دهه ۳۰ بازمی‌گردد. آن زمان جمعیت بسیار کمتر از امروز بود و از همین روتعداد مخاطبانی که احتمال پیگیری مداوم آنان در یک حوزه وجود داشت نیز قابل مقایسه با زمان حاضر نبود. در دهه ۱۳، از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۵ نشریه تخصصی مجله «ستاره سینما» با بیشترین استقبال روبه‌رو شد که توانست یک هزار نسخه بفروشد. البته اینکه می‌گویم با بیشترین استقبال، در مقایسه با نشریاتی است که تا پیش از آن منتشر می‌شدند و مخاطبی نداشتند.

■ **این میزان نشریه در چه زمانی فروخته شد؟**

تمام این تعداد تنها در یک هفته به فروش رسید.

■ **انتشار یک نشریه تخصصی برای سینما در دهه ۳۰ قابل تأمل است اما اینکه سال ۱۳۰۹ نشریه‌ای برای سینما منتشر شده قدری عجیب است! آن زمان عموم مردم حتی با روزنامه‌ها چندان عجین نبودند حالا چه رسد به نشریه‌ای تخصصی که تنها برای سینما باشد!**

بله این گفته شما را قبول دارم. تازه نشریه «سینما و نمایشات» هم تنها در سطح شهر تهران عرضه شد. آن زمان سینمای ایران، جوانگاه سینمای روسیه، مصر، انگلیس و آلمان بود و برای انتشار یک نشریه نیازی نبود که تنها به فیلم‌های

نگاهی به کتاب «شکسپیر و شرکا»

یکشنبه‌ای زمستانی

آوا سلسل

کتاب شکسپیر و شرکا، نوشته جرمی مرسر با ترجمه پوپه میثاقی از پرفروش ترین‌های نشر مرکز در آذر ماه سال ۱۳۹۴ بوده است. جرمی مرسر، نویسنده و روزنامه‌نگار کانادایی، در سال ۱۹۷۱ متولد شد. او در ابتدای کتاب نوشته است در طول کتاب تا آنجایی که می‌شود و توانسته است حقیقت را بیان کرده و سعی کرده از حقیقت فاصله نگیرد. در نتیجه در طول کتاب حقیقت‌های سیالی از جانب این نویسنده به نمایش گذاشته می‌شوند. کتاب در رابطه با اقامت این شخص در یک کتابفروشی در پاریس (به نام شکسپیر و شرکا) و ماجراهایی که بعد از آن برای او و دیگر شخصیت‌ها به وجود می‌آید، است. بالطبع نمی‌شود تمام ماجراهای پیش آمده را در ۳۷۰ صفحه نوشت و نویسنده به ناچار اتفاق‌ها را به صورت خلاصه شده بیان می‌کند.

کتاب به قدری لذتبخش است که متوجه نمی‌شوید چطور و کی این حجم کلمات را خوانده‌اید! کتابخانه شکسپیر و شرکا در اصل در تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۹۱۹ توسط سیلویا بیچ بنا نهاده و در سال

سیاسی و نیمه اجتماعی به نام مجله «فردوسی» هم بود که صفحه نقدی به سینما اختصاص داده بود.

■ **با این تفسیر دهه ۴۰ علاوه بر ادبیات، برای سینما هم ده‌ای درخشان محسوب می‌شود؟**

به نکته خوبی اشاره کردید، هر دو هنری که به آنها اشاره کردید در این دهه دوران شکوفایی خود را تجربه کردند.

■ **وقوع انقلاب منجر به تعطیلی بخشی از این نشریات شد؛ چه مدت زمانی صرف شد تا دوباره شاهد انتشار نشریات تخصصی سینما باشیم؟**

همان طور که اشاره کردید همزمان با وقوع انقلاب بسیاری از این نشریات در تب و تاب فضای آن دوران تعطیل شدند. از همین رو افرادی که در این نشریات مشغول فعالیت بودند هم مدتی بیکار شدند؛ آنچنان که برخی از آنان مهاجرت

مسأله بازمی‌گردد. نه تنها اهالی سینما، بلکه سایر هنرمندان هم زمانی که با نقد آثار خود مواجه شوند، عصبانی می‌شوند و گاه حتی واکنش‌هایی هم نشان می‌دهند.

■ **در چنین شرایطی، این نشریات اصلاً برای چه نشر می‌شوند؟ مخاطبان اصلی این نشریات که به گفته شما توجهی به محتوای آنها ندارند!**

متأسفانه همان گونه که شما می‌گویید این افراد توجه چندانی به نقد‌های مذکور ندارند. از همین رو رو درآمد اغلب این نشریات از طریق آگهی‌های تبلیغاتی حاصل می‌شود. البته هنوز مشتاقانی برای مطالعه این نشریات هست اما در مقایسه با یک دهه قبل که با انفعال اطلاعات، آن هم به این شکل روبه‌رو نبودیم کمتر شده. در شرایط فعلی که شما حتی اکران فیلم‌ها را می‌توانید در

سایط‌ها ببینید طبیعی است که قدری اقبال به رسانه‌های چاپی سینمایی کمتر شود. نسل نشریه‌خوان‌های قدیمی در حال انقراض است.

■ **این بحثی است که نه تنها در ارتباط با نشریات سینمایی، بلکه حتی در عرصه جهانی مطبوعات هم مطرح شده؛ به گونه‌ای که بسیاری از رسانه‌های چاپی جای خود را به رسانه‌های دیجیتال و با شکل‌های نوین داده‌اند. بهتر نیست که نشریات سینمایی هم به این سمت بروند؟**

این اتفاق چه ما بخواهیم و چه نخواهیم به هر حال رخ می‌دهد. نه تنها ما، بلکه تمام رسانه‌های جهان به این سمت و سومی روند و ما به طور تدریجی حلقه حذف نشریات کاغذی خواهیم بود. باید بپذیریم که جامعه ما هم در حال گذر از سنت است و نشریات سینمایی هم باید این تغییرات را بپذیرند. البته اگر بخش خصوصی به همین وضع فعلی بدون حمایت به کار خود ادامه بدهد نمی‌توان آینده چندان خوبی را برای آن متصور شد. همین مجله «۲۴» که انتشار آن را شهرداری به عهده دارد اگر بخش خصوصی منتشر کند باید حداقل ۵۰ هزار تومان بابت فروش هر نسخه از مخاطبان بگیرد. این در حالی است که قیمت روی جلد آن هم اکنون کمتر از ۱۰ هزار تومان است.

شما در حالی از لزوم ورود بخش دولتی به این قبیل اقدام‌ها می‌گویید که اغلب منتقدان هنر معتقدند زمانی که دولت وارد این قبیل کارها شود با افت کیفی محصول نهایی روبه‌رو می‌شویم؛ حالا قدری هم ندارد که این محصول نشریه باشد یا فیلم و کتاب! اگر قرار باشد که نگاه‌های گزنششی مسئولان در نتیجه نهایی کار اثرگذار باشد من هم با این گفته موافقم اما بحث من این است که حمایت‌های دولتی-حکومتی باید به طور غیر مستقیم و با فراهم کردن زیرساخت‌های لازم باشد.



صفحات، خاطرات و روایات اتفاق افتاده است.

اما آخرین جمله از آخرین صفحه تغییر، نوسان و تکمیل شدن است. گاه این تکامل در مسیر اشتباهی اتفاق می‌افتد و گاهی در مسیر درست، اما به هر جهت اتفاق می‌افتد و لحظه‌ای دست نگه نمی‌دارد. داستان شکسپیر و شرکا مانند داستان زندگی استی و پستی و بلندی دارد، گاه یک خط مستند و کسالت‌بار است و گاهی پر از شور و هیجان. شاید منحصر به فرد نباشد اما پانگاه خوبی است.